

## «حلقات»

# درس 44

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای طیبی

## مقدمه

در درس گذشته، ب‌استدلال به سیره عقلائیه برای اثبات ظواهر اشکالی وارد شد و در جواب آن نیز بحث دقیقی مطرح گردید. در این درس ضمن تکمیل جواب، اشکال دیگری به این استدلال وارد می شود که شارع را جزء متکلمین غیرعادی محسوب می کند و کلام او را مشمول حجیت عقلائیه - که موضوع آن کلام متکلمین عادی است - نمی داند. برای درک بهتر این درس، می توان از بحثی که پیرامون سیره متشرعه، در حلقه ثانیه مطرح شده است، کمک گرفت.

## متن درس

غير أنك عرفت في الحلقة السابقة ان الإمضاء يتجه إلى النكتة المرتكزة التي هي أساس العمل و هي في المقام الحجية الاقتضائية للظهور مطلقاً. و كل حجة كذلك لا يرفع اليد عنها الا بحجة، و المفروض عدم حجية الأمانة على الخلاف شرعاً فيتعين العمل بالظهور.

و الأمر الآخر الذي يلاحظ على الوجه الأول ان السيرة العقلائية انما انعقدت على العمل بالظهور، و اتخاذه أساساً لاكتشاف المراد في المتكلم الاعتيادي الذي يندر اعتماده على القرائن المنفصلة عادة و الشارع ليس من هذا القبيل فان اعتماده على القرائن المنفصلة يعتبر حالة متعارفة و لا توجد حالات مشابهة في العرف لحالة الشارع ليلاحظ موقف العقلاء منها.

### نکاتی درباره پاسخ دوم به اشکال نخست بپسیره عقلائییه

**یادآوری :** اشکال نخست بپسیره عقلائییه این بود که، هرگاه در مقابل ظاهر کلام، اماره عقلائی (هر چند اماره ای که شرعاً حجت نباشد) وجود داشته باشد، عقلا تمسک به ظاهر کلام نمی کنند و اماره غیرمعتبره را مقدم می دارند یا حداقل در تمسک به ظاهر توقف می کنند. در جواب دوم به این اشکال بحث دقیقی مطرح شد که تفصیل آن در حلقه ثانیه بیان شد.

### نکاتی پیرامون جواب باقی مانده

**مقدمه :** اعمال اختیاری عقلا ناشی از عقاید آنها است؛ بدین معنا که آنها ابتدا عقیده ای را اتخاذ کرده و سپس به مقتضای آن عقیده عمل می کنند. در واقع رفتار و عمل عقلا حاکی از عقیده ذهنی آنهاست.

**خصوصیات عمل :** عمل بر خلاف کلام، زبان ندارد و ساکت (صامت) است. این ویژگی عمل باعث می شود که نتواند زوایای عقیدتی منشأ عمل را به وضوح بازتاب دهد و در این زمینه محدودیت هایی دارد. چنانچه اگر معصوم (علیه السلام) عملی را انجام دهد، از فعل ایشان تنها می توان اباحه و جواز آن را انتزاع کرد؛ زیرا هر چند که امکان دارد این فعل معصوم (علیه السلام) نشأت گرفته از اعتقاد به وجوب و یا استحباب آن فعل باشد، ولی به جهت محدودیت هایی که فعل در حکایت گری از عقیده دارد، نمی توان فعل را حاکی از وجوب و یا استحباب عمل دانست.

## تفاوت در امضاء عقیده یا عمل

با توجه به تفاوت‌های عمل و عقیده و محدودیت‌های رفتارهای خارجی در حکایت از واقعیات، امضای شرعی سیره عقلا- با توجه به اینکه مراد از سیره، رفتار باشد یا عقیده - دارای آثار شرعی متفاوتی خواهد بود.

**مثال عرفی:** عقلا معتقد به ضرورت ازدواج برای انسان هستند؛ لذا در این امر اهتمام دارند؛ یعنی اعمال خارجی آنها مبتنی بر این اعتقاد است و در عرصه عمل خودشان نیز ازدواج می‌کنند.

1. اگر امضای شارع متعلق به اعتقاد و امر ذهنی عقلا باشد، در این صورت ازدواج وجوب شرعی به دست می‌آورد؛ چون امضای شارع، متعلق خود را شرعی می‌کند و متعلق در این جا ضرورت ازدواج به اعتقاد عقلا می‌باشد.

Sco1:5:37

2. اگر امضای شارع متعلق به رفتار و عمل عقلا باشد، ازدواج کردن عقلا شرعی می‌شود. اما از آنجایی که عمل صامت است با امضای شارع، حکم ازدواج، اباحه و عدم حرمت می‌شود.

## تطبیق در محل بحث

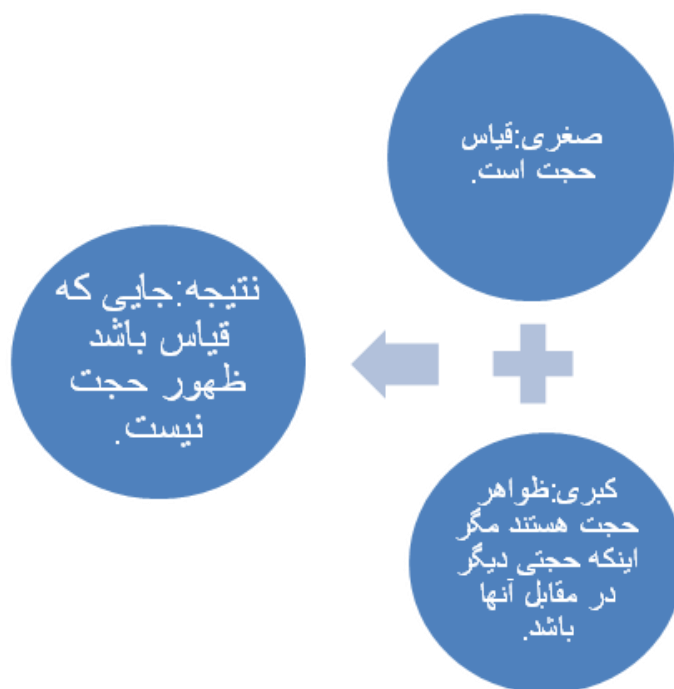
**عمل به ظواهر از دیدگاه عقلا:** عقلا دارای یک عقیده و یک رفتار هستند که با این دو یک استدلال را تشکیل می‌دهند:

1. بعد عقیدتی: عقلا در عمل به ظواهر کلام متکلم، یک اعتقاد مرتکز (قانون نانوشته در ذهن) دارند و قائل به یک حجیت اقتضایی برای ظواهر هستند. بدین معنا که ظهور در ذهن

عقلا محکوم به حجیت است مگر اینکه در مقابل آن مانع و حجت دیگری قرار بگیرد. (کبرای استدلال)

2. بعد رفتاری: چون عقلا قیاس (تمثیل منطقی که از دیدگاه شرع حجت نمی باشد) را حجت می دانند، هرگاه ظاهر کلام متکلمین در برابر قیاس قرار بگیرد، از تمسک به ظهور دست برمی دارند. (صغرای استدلال)

نمودار این استدلال را در شکل زیر مشاهده می کنید:



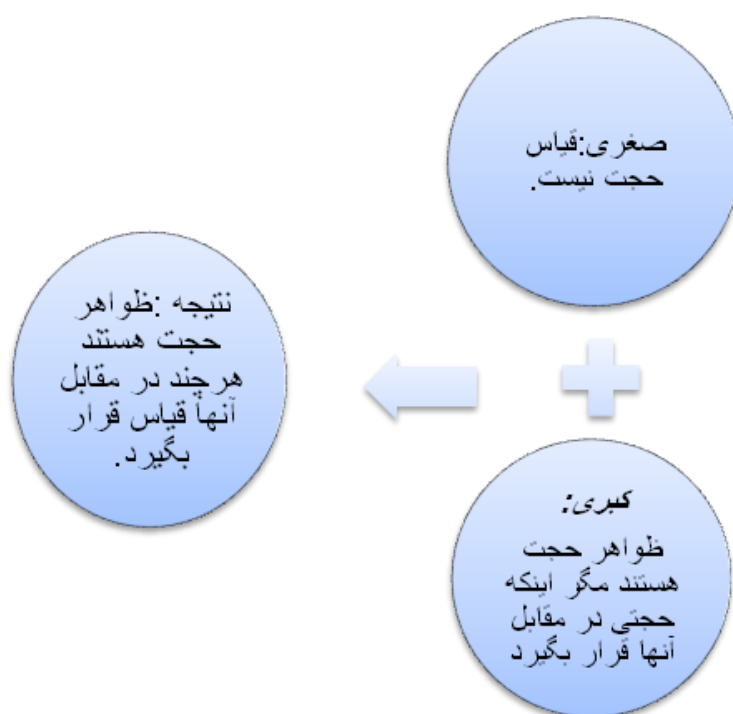
عمل به ظواهر از دیدگاه شارع: استدلال شارع نیز دو مقدمه دارد:

1. شارع در مقام امضای سیره عقلا، کبرای کلی و قانون مرتکز ذهنی عقلا را امضاء می کند و این قانون در شرع به عینه یک حکم شرعی محسوب می شود. (کبرای استدلال).

2. صغرای قیاس عقلا (رفتارهای عقلا) مورد امضاء و رضایت شرع نیست، زیرا اگر شارع آن را امضا می کرد، ظواهری که در مقابل قیاس قرار دارند دیگر از جانب شارع حجت نبودند و تمام محدودیت‌های رفتاری عقلا در حکم شرع منعکس می گردید که در مثال ازدواج یک نمونه از آن ذکر شد.

در حقیقت شارع با امضای این کبرای کلیه - که می گوید ظهور حجت است مگر اینکه حجت دیگری در مقابل آن قرار بگیرد - و عدم تأیید صغرای استدلال عقلا به دلیل غیرمعتبر دانستن بعضی از امارات عقلایی نظیر قیاس، مانع را برای تمسک به ظواهر از بین برمی دارد. پس هرگاه اماره‌ای که شرعاً معتبر نیست، در مقابل ظواهر آیات و روایات قرار بگیرد، مانع از تمسک به این ظواهر نمی شود.

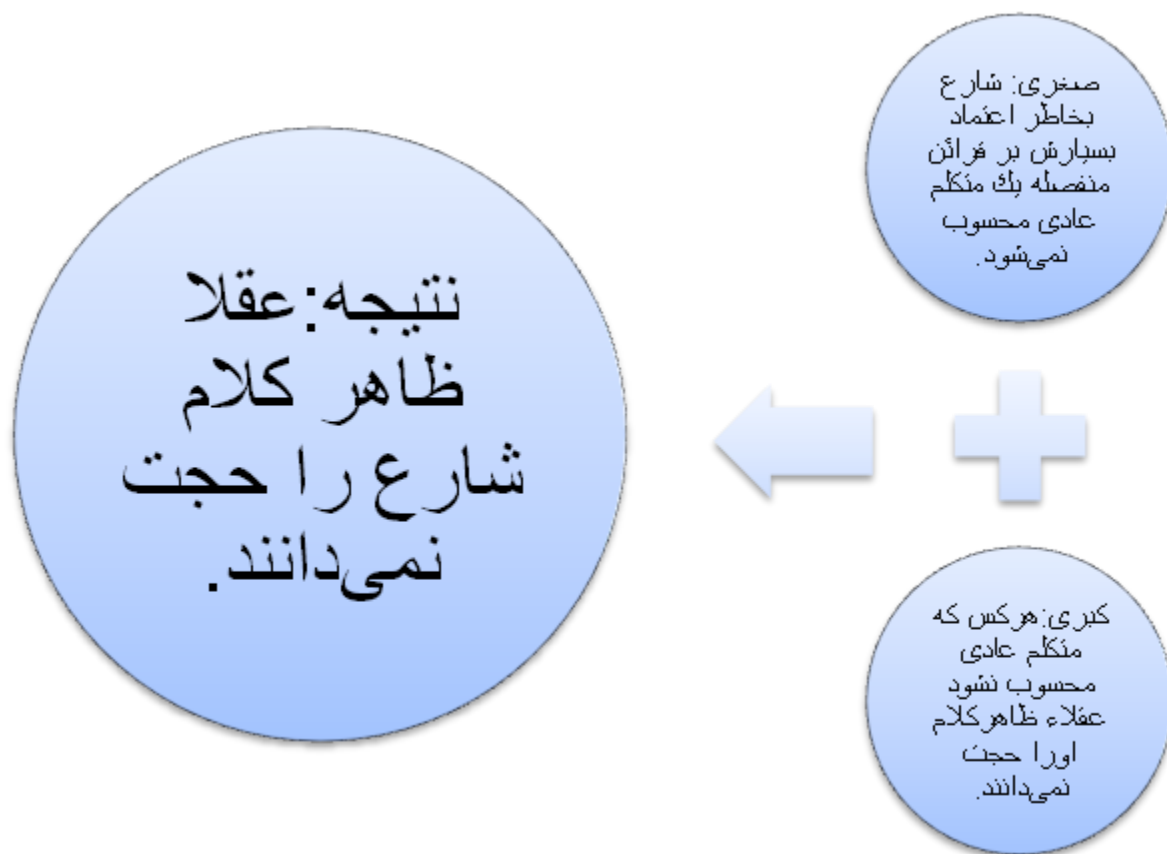
نمودار استدلال شارع :



Sco2: 16:22

## اشکال دوم بر استدلال به سیره عقلائیة

برای تبیین بهتر این اشکال آن را در قالب یک قیاس منطقی ذکر می کنیم :



### نکاتی در باره این استدلال :

1. دلیل صغرای این قیاس آن است که یک متکلم عادی برای بیان قیده‌های دخیل در

مرادش، از قرائن متصله استفاده می کند و به ندرت سراغ قرائن منفصله می رود.

**مثال عرفی :** اگر کسی بخواهد غذایی سفارش بدهد همه قیود آنرا یک باره ذکر می کرد؛ نه

این که هر کدام از آنها را به فاصله یک ساعت بیان نماید.

**عمل شارع :** شارع این شیوه معمول بین عقلا را رعایت نکرده است. برای مثال عمومات قرآنی بصورت بیان منفصل، در دیگر آیات و روایات تخصیص خورده اند. همچنین حکم کلی آیات در (هنگام) نزول، بتدریج در زمان اهل بیت مقید شده است. بسیاری از دستورات دینی نیز به طور کامل بیان نشده است؛ بدین صورت که گاه یک امام حکمی را ذکر کرده و امام دیگر قیود آن را بیان می فرمایند.

2. سیره عقلا هنگام بر خورد با کلمات متکلمین عادی، متفاوت با رفتار آنها در هنگام مواجهه با متکلمین غیرعادی (مثل شارع) است. پس نمی توان از حکم یکی از آنها برای دیگری بهره گرفت.

3. اگر عقلا ظاهر کلام متکلمین غیرعادی (نظیر شارع) را حجت ندانند، به تبع عقلا، شارع نیز ظاهر کلام متکلمین غیرعادی را حجت نمی داند، چون امضای شارع به معنی شرعی دانستن سیره عقلا است.

**Sco3:26:58**

## چکیده

1. اعمال اختیاری عقلا ناشی از عقای آنهاست. در واقع رفتار و عمل عقلا حاکی از عقیده‌ای است که در ذهن آنها وجود دارد.
2. عمل، صامت و ساکت است و نمی‌تواند زوایای عقیدتی منشأ عمل را به وضوح بازتاب دهد.
3. امضای شارع بنابر اینکه متعلق به رفتار باشد یا عقیده، دارای آثار متفاوت است.
4. عقلا یک اعتقاد مرتکز ذهنی دارند و برای ظواهر حجیت اقتضایی قائل هستند. همین ذهنیت است که مورد امضاء شارع می‌باشد، نه رفتار خارجی آنها.
5. عقلا چون امارات عقلایی غیر معتبر شرعی را حجت می‌دانند، در مقام رفتار این چنین قیاس می‌کنند:  
صغری: قیاس حجت است.  
کبری: ظواهر حجت هستند مگر اینکه حجتی در مقابل آنها باشد.  
نتیجه: جایی که قیاس باشد، ظهور حجت نیست.
6. شارع بر خلاف عقلا این چنین قیاس می‌کند:  
صغری: قیاس حجت نیست.  
کبری: ظواهر حجت هستند مگر اینکه حجتی در مقابل آنها باشد.  
نتیجه: ظواهر حجت هستند هر چند در مقابل آنها قیاس قرار بگیرد.
7. اشکال دوم بر سیره عقلا را به شکل یک استدلال قیاسی بیان می‌کنیم:  
صغری: شارع به دلیل اعتماد بر قرائن منفصله، یک متکلم عادی محسوب نمی‌شود.  
کبری: عقلا ظاهر کلام هر کس را که متکلم عادی محسوب نشود، حجت نمی‌دانند.  
نتیجه: عقلا ظاهر کلام شارع را حجت نمی‌دانند.
8. بر اساس اشکال وارد شده، شارع شیوه معمول بین عقلا را رعایت نکرده است. نمونه آن

آیات و روایاتی است که با دلیل منفصل تخصیص خورده‌اند .

9. اگر عقلا ظاهر کلام شارع را حجت ندانند، شارع نیز ظواهر کلام خود را حجت نمی‌داند، زیرا شارع امضا کننده سیره عقلا می‌باشد.